



جایگاه دیپلماسی مقاومت در منظومه انقلاب اسلامی ایران

دکتر محمدرضا دهشیری
دکتر محمدرضا قانلی
دکتر محسن رضائی جعفری



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
پاییز ۱۴۰۴

دهشیری، محمدرضا، ۱۳۴۳ -

Dehshiri, Mohammad Reza

جایگاه دیپلماسی مقاومت در منظومه انقلاب اسلامی ایران / محمدرضا دهشیری، محمدرضا قائدی، محسن رضائی جعفری.
-- قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۴۰۴.

نه، ۲۱۷ ص. -- (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: ۷۸۷؛ علوم سیاسی: ۲۳)

ISBN: 978-600-298-561-3

بها: ۲۹۶۰۰۰ ریال

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه. ص. [۲۰۳] - ۲۱۷؛ همچنین به صورت زیرنویس.

۱. ایران -- سیاست و حکومت -- قرن ۱۴-۱۵. ۲. Iran -- Politics and government -- 20th - 21st centuries.

۳. جبهه مقاومت اسلامی. ۴. موازنه قدرت. ۵. Balance of power. ۶. دیپلماسی -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام.

۷. Diplomacy -- Religious aspects -- Islam. ۸. ایران -- روابط خارجی -- قرن ۱۴-۱۵. ۹. Iran -- Foreign relations --

20th - 21st centuries. ۱۰. ایران -- روابط خارجی -- کشورهای اسلام. ۱۱. Iran -- Foreign relations -- Islamic Countries.

۱۲. کشورهای اسلامی -- روابط خارجی -- ایران. ۱۳. Islamic countries -- Foreign relations -- Iran.

الف. قائدی، محمدرضا، ۱۳۵۲. ب. رضائی جعفری، محسن، ۱۳۶۶. ج. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

DSR ۱۵۷۰

۹۵۵/۰۸۴

۱۰۱۳۶۷۵۴

شماره کتابشناسی ملی



جایگاه دیپلماسی مقاومت در منظومه انقلاب اسلامی ایران

مؤلفان: دکتر محمدرضا دهشیری، دکتر محمدرضا قائدی و دکتر محسن رضائی جعفری

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

ویراستار: زهرا پیوندی

صفحه‌آرایی: تحریر اندیشه

چاپ اول: پاییز ۱۴۰۴

تعداد: ۱۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - سبحان

قیمت: ۲۹۶۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۹۸-۵۶۱-۳

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نبش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰

(انتشارات ۳۲۱۱۱۳۰۰) نمابر: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص. پ. ۳۱۵۱-۳۷۱۸۵

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

فروشگاه اینترنتی: <https://shop.rihu.ac.ir>

مرکز پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲۷، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۶۳۵-۶

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و هدایت پدیده‌های انسانی در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر است و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی، فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به‌عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی علیه السلام، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» را در سال ۱۳۶۱ فراهم کرد و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت استادان حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جامعه علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار بیش از ۷۸۰ عنوان کتاب و ۹ نشریه علمی اشاره کرد.

این اثر به‌عنوان منبع درسی برای دانشجویان مقاطع تحصیلات تکمیلی در رشته «روابط بین‌الملل و مسائل سیاسی جهان» تألیف شده است.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار موردنیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از تلاش‌های مؤلفان محترم اثر آقایان دکتر محمدرضا دهشیری، دکتر محمدرضا قانندی و دکتر محسن رضائی جعفری و نیز از ارزیابان محترم آقایان دکتر محمد شجاعیان و دکتر محمد ستوده سپاسگزاری کند.

فهرست مطالب

مقدمه.....	۱
دیپلماسی مقاومت در گذر زمان.....	۱
مبانی دیپلماسی مقاومت.....	۲
استلزامات دیپلماسی مقاومت.....	۲
تصویرسازی از دیپلماسی مقاومت.....	۳
جایگاه گروه‌های مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران.....	۴

فصل اول: مبانی و بنیادهای دیپلماسی مقاومت در انقلاب اسلامی ایران

مقدمه.....	۵
۱. مفاهیم و مترادفات و مبانی مقاومت در قرآن کریم.....	۶
۱-۱. مفهوم مقاومت در قرآن کریم.....	۶
۲-۱. مترادفات قرآنی مقاومت.....	۷
۳-۱. مبانی و بنیادهای مقاومت.....	۸
الف. ایمان به خدا.....	۸
ب. توکل به خدا.....	۹
ج. آخرت‌گرایی.....	۱۰
د. عدل الهی.....	۱۱
هـ. ضرورت مقابله با ستم.....	۱۲
و. برجیده شدن فتنه‌گری.....	۱۳
ز. پایداری در دین.....	۱۴
ح. همراهی و یاری خداوند.....	۱۵
ط. اعتماد نکردن به ستمکاران.....	۱۵
ی. مقابله با شیطان.....	۱۶
ک. صبر.....	۱۶

۱۷	۴-۱. مقاومت در روایات.....
۲۲	۲. مفهوم و مبانی مقاومت در قانون اساسی.....
۲۴	۳. مؤلفه‌های نظریه مقاومت در گفتمان انقلاب اسلامی.....
۲۵	۳-۱. هویت اسلامی-شیعی.....
۲۶	۳-۲. قاعده نفی سیل.....
۲۸	۳-۳. عدالت‌محوری.....
۲۹	۳-۴. نوع فرهنگ سیاسی.....
۳۰	۴. مفاهیم و مبانی مقاومت در بیانات و مکتوبات امام خمینی <small>علیه السلام</small>
۳۰	۴-۱. مفهوم مقاومت در دیدگاه امام خمینی <small>علیه السلام</small>
۳۱	۴-۲. مبانی مقاومت از نظر امام خمینی <small>علیه السلام</small>
۳۱	۱. ایمان.....
۳۲	۲. حب خداوند و دوستی نکردن با دشمنان خدا.....
۳۲	۳. یاری کردن دین خدا.....
۳۲	۴. تقوا.....
۳۲	۵. افزایش آگاهی ملت‌ها.....
۳۳	۶. استکبارستیزی.....
۳۳	۷. حمایت از مستضعفان.....
۳۴	۸. هزینه بیشتر تسلیم نسبت به مقاومت.....
۳۴	۵. مفهوم و مبانی و پیامدهای مقاومت در بیانات و مکتوبات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای.....
۳۴	۵-۱. مفهوم مقاومت در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای.....
۳۵	۵-۲. مبانی مقاومت در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای.....
۳۵	الف. ایمان و توکل به خدا.....
۳۶	ب. اعتماد به وعده‌های الهی.....
۳۶	ج. یاری کردن دین خدا.....
۳۷	د. نهراسیدن از دشمن.....
۳۷	ه. بصیرت.....
۳۷	و. صبر.....
۳۸	ز. مصونیت پیش‌زمینه مقاومت.....
۳۸	۵-۳. پیامدهای مقاومت در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای.....
۴۰	جمع‌بندی.....

فصل دوم: تاریخچه تحولات مقاومت

۴۳	مقدمه.....
۴۴	۲-۱. تحولات مرتبط با مقاومت در تاریخ ایران معاصر.....
۴۴	۲-۱-۱. نهضت تنباکو؛ سرآغاز مقاومت منفی.....

۴۵	۲-۱-۲. مقاومت فعال در جنبش مشروطه.....
۴۷	۳-۱-۲. مقاومت ناسیونالیستی در ملی شدن صنعت نفت.....
۴۸	۴-۱-۲. قیام پانزده خرداد و تبلور مقاومت دینی-مذهبی.....
۵۱	۲-۲. تحولات مرتبط با مقاومت بعد از انقلاب اسلامی ایران.....
۵۴	۱-۲-۲. تأثیر دیپلماسی مقاومت انقلاب اسلامی بر شکل گیری حزب الله لبنان.....
۵۶	شورا و تشکیلات ساختاری حزب الله.....
۶۰	۲-۲-۲. دیپلماسی مقاومت و حمایت از فلسطین و گروه های مبارز فلسطینی.....
۶۳	۳-۲-۲. دیپلماسی مقاومت و جبهه پایداری عرب.....
۶۴	۴-۲-۲. مقاومت حزب الله لبنان علیه تجاوز ژوئیه ۱۹۹۳ و آوریل ۱۹۹۶ رژیم صهیونیستی.....
۶۶	۵-۲-۲. تأثیر مقاومت بر خروج اسرائیل از جنوب لبنان.....
۶۸	۶-۲-۲. انتفاضه و تحول کارکرد جنبش مقاومت؛ از سنگ تا موشک.....
۶۸	مرحله اول: انتفاضه سنگ.....
۶۹	مرحله دوم: عملیات پارتیزانی.....
۶۹	مرحله سوم: عملیات استشهادی.....
۷۰	مرحله چهارم: حملات موشکی.....
۷۱	مرحله پنجم: جنگ تمام عیار.....
۷۲	۷-۲-۲. پیروزی مقاومت بر رژیم صهیونیستی در جنگ سی و سه روزه.....
۷۳	سطح داخلی: حزب الله و ساختار قدرت در لبنان.....
۷۶	۸-۲-۲. پایداری مقاومت در جنگ ۲۲ روزه غزه.....
۷۷	۳-۲. بیداری اسلامی و مبارزه گروه های مقاومت علیه تروریسم تکفیری.....
۷۷	۱-۳-۲. مقاومت علیه تروریسم تکفیری در سوریه.....
۸۱	۱-۱-۳-۲. جمهوری اسلامی ایران و رهبری محور مقاومت در بحران سوریه.....
۸۴	۲-۱-۳-۲. مقاومت حزب الله لبنان و شکست تروریسم تکفیری در بحران سوریه.....
۸۶	۳-۱-۳-۲. مقاومت تیپ فاطمیون افغانستان و شکست تروریسم تکفیری در بحران سوریه.....
۸۷	۲-۳-۲. مقاومت و پیروزی حشد الشعبی علیه تروریسم تکفیری در عراق.....
۸۷	ساختار حشد الشعبی.....
۸۸	گروه های مرجع؛ هسته مرکزی.....
۸۹	حلقه پیرامونی.....
۹۰	لایه سوم حشد الشعبی.....
۹۰	کارکرد حشد الشعبی.....
۹۵	۳-۳-۲. مقاومت و پیروزی انصار الله (حوثی ها) در یمن.....
۹۹	۴-۲. تحولات مقاومت بعد از عملیات طوفان الاقصی.....
۹۹	۱-۴-۲. عملیات طوفان الاقصی و حمله اسرائیل به غزه.....
۱۰۲	۲-۴-۲. عملیات وعده صادق ۱.....
۱۰۳	۳-۴-۲. شهادت سید حسن نصر الله.....

۱۰۴ ۲-۴-۴. عملیات وعده صادق ۲
۱۰۵ جمع‌بندی

فصل سوم: استلزامات دیپلماسی مقاومت

۱۰۷ مقدمه
۱۰۷ ۳-۱. استلزامات گفتمانی
۱۰۷ ۳-۱-۱. نفی نظام سلطه و صهیونیسم بین‌الملل
۱۰۹ ۳-۱-۲. تبیین اسلام سیاسی عقلانی با رویکرد تمدنی
۱۱۰ ۳-۲. استلزامات عملیاتی
۱۱۰ ۳-۲-۱. تولید قدرت هوشمند
۱۱۱ ۳-۲-۲. امنیت مردم‌پایه
۱۱۲ ۳-۲-۳. متوقف کردن چرخه ناامنی در منطقه ذی‌ربط
۱۱۳ ۳-۲-۴. تقویت بازدارندگی در برابر دشمنان و نظام سلطه
۱۱۵ ۳-۲-۵. شبکه‌سازی برای برقراری انسجام و هماهنگی بین گروه‌های مقاومت
۱۱۷ ۳-۳. استلزامات کارگزاری
۱۱۷ ۳-۳-۱. تحکیم جایگاه رهبری مقتدر و عملگرا و کاربزماتیک
۱۱۹ ۳-۳-۲. تشکیل جبهه ائتلافی
۱۲۱ ۳-۴. استلزامات محیطی اعم از محیط عملیاتی و روان‌شناختی
۱۲۱ ۳-۴-۱. استلزامات محیط عملیاتی
۱۲۱ ۳-۴-۲. استلزامات محیط روان‌شناختی (با تصویرسازی ایجابی و متمایزسازی آن از گروه‌های تروریستی و تکفیری و حرکت‌های سکولار و لیبرال)
۱۲۳ ۳-۵. استلزامات نقشی: ایفای نقش کنش‌مند (proative) و حداقل کنشگر (active) با رویکرد تجدیدنظرطلبانه و نقش آفرینی در درون نظام سیاسی موجود (مثل حزب‌الله لبنان)
۱۲۴ جمع‌بندی
۱۲۶

فصل چهارم: پوشش محور مقاومت در رسانه‌های غربی و عربی

۱۲۷ مقدمه
۱۲۸ ۴-۱. تصویر مقاومت اسلامی لبنان در مطبوعات انگلیسی
۱۳۲ ۴-۲. تصویر مقاومت اسلامی در مطبوعات فرانسه
۱۳۵ ۴-۳. تحلیل گفتمان گزارش‌های خبری سی‌ان‌ان و یورو نیوز و بی‌بی‌سی درباره انصارالله یمن سال ۲۰۲۲
۱۳۹ ۴-۴. پوشش خبری تشییع شهید سلیمانی در رسانه‌های مخالف جبهه مقاومت
۱۴۰ ۴-۵. عملیات طوفان الاقصی و حمله رژیم اسرائیل به غزه در رسانه‌های غربی
۱۴۴ استانداردهای دوگانه در شبکه‌های اجتماعی
۱۴۵ یویایی زبان: «حق دفاع از خود» اسرائیل در برابر «تروریسم» فلسطینی
۱۴۷ ارائه اطلاعات نادرست و محتوای گمراه‌کننده

۱۴۷	طرح مشروعیت قبل از حمله
۱۴۸	انسانیت‌زدایی یک‌سویه از قربانیان
۱۴۸	تحت‌الشعاع قرار دادن مجرم
۱۴۸	جمع‌بندی

فصل پنجم: کارکرد گروه‌های مقاومت در دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران

۱۵۱	مقدمه
۱۵۲	۱-۵. مبارزه با تروریسم
۱۶۰	۲-۵. تقویت اصل بازدارندگی
۱۶۶	۳-۵. مقابله با نظام سلطه (آمریکا)
۱۷۰	۴-۵. افزایش قدرت و نفوذ ایران در منطقه غرب آسیا
۱۷۵	۵-۵. صدور انقلاب
۱۸۰	۶-۵. مبارزه با رژیم اسرائیل
۱۸۵	جمع‌بندی
۱۸۷	نتیجه‌گیری
۱۹۰	ده راهبرد برای دیپلماسی مقاومت

منابع

۲۰۳	کتاب
۲۰۶	مقالات
۲۱۲	وبسایت‌ها
۲۱۴	عربی
۲۱۵	English

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران از وقایع مهمی بوده است که سرآغاز تغییر و تحولات عمده‌ای در عرصه داخلی و خارجی شد. این انقلاب با سرنگونی نظام پهلوی، الگوی نویی را در سیاست خارجی مطرح کرد که با استقلال‌طلبی و نفی نظام سلطه همراه شد. این الگو به‌ویژه در سال‌های اخیر و با توجه به مسئله تحریم‌ها و فشار کشورهای غرب بر نظام جمهوری اسلامی ایران مدنظر تحلیلگران و کارگزاران سیاست خارجی قرار گرفته است. در این میان، رهبر معظم انقلاب در بیانات خویش، لزوم اتخاذ سیاست خارجی مبتنی بر مقاومت و انقلابی‌گری را به‌طور مکرر به مسئولان گوشزد کرده و مسئله تقابل نظام سلطه با سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را ناشی از دشمنی و ضدیت با اصول انقلاب اسلامی ذکر کرده‌اند. یکی از این اصول هم بهره‌گیری از الگوی مقاومت و تسلیم نشدن در مقابل خواسته‌های آمریکا و نظام غرب است.

دیپلماسی مقاومت در گذر زمان: در اصل، دیپلماسی مقاومت الگویی است که پیش از انقلاب اسلامی و در بیانات امام خمینی علیه السلام اتخاذ شده بود و پیشینه دیپلماسی مقاومت به مواضع حضرت امام علیه السلام در دوران مبارزات ایشان علیه نظام پهلوی برمی‌گردد. با پیروزی انقلاب این دیپلماسی، در همه ابعاد سیاست خارجی و به‌خصوص در بحث مبارزه با رژیم اسرائیل و نظام سلطه جامعه عمل پوشید. تأسیس حزب الله لبنان و تقویت گروه‌های مبارز فلسطینی هم متناسب با دیپلماسی مقاومت در دستور کار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت. در همین دوران، با تأسیس جبهه پایداری توسط ایران، لیبی، سوریه، الجزایر و جبهه آزادی‌بخش فلسطین، دیپلماسی مقاومت بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت؛ گرچه بعدها و با حمایت یاسر عرفات از صدام حسین و اتخاذ سیاست‌هایی متفاوت از سوی برخی

اعضا، جبهه پایداری دچار انشقاق شد. تحولات دیپلماسی مقاومت در سال‌های بعد با تحولات مهمی همراه شد؛ مانند مخالفت سرسختانه ایران و گروه‌های فلسطینی با پیمان صلح اسلو (۱۹۹۳)، جنگ ۳۳ روزه حزب‌الله لبنان و اسرائیل (۲۰۰۶)، جنگ ۲۲ روزه غزه (۲۰۰۸-۲۰۰۹)، بیداری اسلامی، مقاومت در سوریه علیه گروه‌های تروریستی و حامیان آنها، مبارزه گروه‌های حشدالشعبی، کتائب حزب‌الله و سپاه بدر برای بیرون راندن داعش از عراق و حمله عربستان به یمن و ایستادگی انصارالله یمن در مقابل تجاوزات ائتلاف. همه این حوادث به رویش‌های مقاومت و کارآمدی دیپلماسی مقاومت در سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران منجر شد.

مبانی دیپلماسی مقاومت: در راستای فهم و تدوین الگوی دیپلماسی، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اسناد بالادستی، بیانات و مواضع امام خمینی علیه السلام و آیت‌الله خامنه‌ای بهترین منابع موجود هستند؛ به‌عنوان مثال، اصول ۹، ۱۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴ و ۱۵۵ قانون اساسی جهت‌گیری‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را مشخص کرده است و در همه این اصول بر استقلال و تمامیت ارضی کشور، نفی سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی و فرهنگی و ارتش و دیگر شئون کشور، عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر، دفاع از حقوق همه مسلمانان و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیرمحراب تأکید شده است. از دیگر منابع شناخت دیپلماسی مقاومت، مواضع امام خمینی علیه السلام و آیت‌الله خامنه‌ای است که از اول انقلاب تاکنون، سیاست‌های کلی نظام در بخش دیپلماسی و سیاست خارجی را طراحی کرده‌اند و بر آن نظارت داشته‌اند. هر دو رهبر انقلاب با تأکید بر نفی رژیم صهیونیستی، مقابله با توطئه‌های آمریکا، حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش و مقاومت، تأکید بر استقلال کشور، توجه به افزایش قدرت منطقه‌ای و بین‌المللی ایران و ایستادگی بر اصول انقلاب اسلامی، دیپلماسی مقاومت را هم در نظر و هم در عمل معنا کرده‌اند.

استلزامات دیپلماسی مقاومت

۱. استلزامات گفتمانی: نفی نظام سلطه و صهیونیسم بین‌الملل، تبیین اسلام سیاسی عقلانی با رویکرد تمدنی، برقراری انسجام بین گروه‌های مقاومت در عین احترام به بسترهای متفاوت فرهنگی و زمینه‌های متنوع اجتماعی.

۲. استلزامات عملیاتی: تولید قدرت هوشمند، ایجاد ثبات و امنیت «مردم‌پایه» و «درون‌زا»، متوقف کردن چرخه ناامنی در منطقه ذی‌ربط، تقویت بازدارندگی در برابر دشمنان و نظام سلطه، شبکه‌سازی برای برقراری انسجام و هماهنگی بین گروه‌های مقاومت.

۳. استلزامات کارگزاری: تحکیم جایگاه رهبری مقتدر، عمل‌گرا و کاریزماتیک برای انتظام‌بخشی به پیروان، مدیریت دوستان و دشمنان و رقبا و گروه‌های مقاومت نیابتی و نهضت‌های آزادی‌بخش، کنشگران دولتی یا فروملی، جبهه ائتلافی یا شبکه‌ای از دولت‌ها و تنظیم نحوه حمایت‌های سیاسی، مالی، تسلیحاتی و تبلیغاتی از جبهه مقاومت.

۴. استلزامات محیطی: اعم از محیط عملیاتی (با ایجاد هم‌بستگی و انسجام درونی بین گروه‌های مقاومت، کسب و گسترش نفوذ با استفاده از بازیگران نیابتی، درگیر کردن طرف مقابل در جبهه چندلایه‌ای) و روان‌شناختی (با تصویرسازی ایجابی و متمایزسازی آن از گروه‌های تروریستی و تکفیری و حرکت‌های سکولار و لیبرال).

۵. استلزامات نقشی: ایفای نقش کنش‌مند^۱ و حداقل کنشگر^۲ با رویکرد تجدیدنظرطلبانه و نقش‌آفرینی درون نظام سیاسی موجود (مثل حزب‌الله لبنان) یا بر نظام سیاسی مسلط (مثل انصارالله یمن) در جهت تحقق موازنه قدرت نامتقارن منطقه‌ای و ایفای نقش در چارچوب هم‌سویی راهبردی و ایدئولوژیک یا منفعتی گروه‌های مقاومت.

تصویرسازی از دیپلماسی مقاومت: در این مبحث، به تصویرسازی غربی‌ها از دیپلماسی مقاومت پرداخته خواهد شد. تصویری که عموماً منفی و در راستای خدشه‌دار کردن هویت دیپلماسی مقاومت است؛ به‌عنوان مثال، نوع تصویری که رسانه‌ها و رهبران کشورهای غرب و عرب از حزب‌الله لبنان یا انصارالله یمن ترسیم می‌کنند، با واژه‌هایی مانند تروریسم و افراطی و رادیکال توصیف می‌شوند. همین رویکرد درباره دیپلماسی ایران در منطقه هم صادق است و عباراتی مانند «هلال شیعی» و «رژیم انقلابی» و «حامی تروریسم» را رسانه‌ها و سیاست‌مداران غرب و عرب برای منفی جلوه دادن سیاست خارجی ایران در منطقه به کار می‌برند.

1. proactive

2. active

جایگاه گروه‌های مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: یکی از وجوه عملی دیپلماسی مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تأسیس و حمایت از گروه‌های مقاومت در خاورمیانه بوده است؛ به‌عنوان مثال تشکیل حزب‌الله لبنان در سال ۱۹۸۲، با تلاش‌های مسئولان نظام در سیاست خارجی محقق شده و ایران حامی اصلی این گروه بوده است. دیگر گروه‌های مقاومت مانند حماس، جهاد اسلامی فلسطین، حشدالشعبی، انصارالله یمن و فاطمیون افغانستان همه از رویش‌های دیپلماسی مقاومت هستند و توانسته‌اند به‌عنوان برگ برنده امنیتی جمهوری اسلامی ایران در معادلات سیاسی و امنیتی نقش مهمی ایفا کنند. در واقع، این گروه‌ها بر سطح الگوی گفتمانی و تعاملی و ساختاری سیاست‌های منطقه جمهوری اسلامی ایران تأثیر گذاشته‌اند و قدرت ایران را در مقابل رقبای منطقه‌ای و بین‌المللی افزایش داده‌اند. اکنون جمهوری اسلامی ایران در کشورهایی مانند یمن، عراق، سوریه، لبنان، فلسطین و افغانستان به‌عنوان قدرتی بی‌بدیل و تأثیرگذار عمل می‌کند و به یمن این گروه‌ها، سطح تهدیدات علیه تمامیت ارضی کشور به کیلومترها دورتر رفته است و هرکدام از گروه‌های مقاومت توانسته‌اند گفتمان دیپلماسی مقاومت را در حوزه مدنظر تبلور ببخشند؛ آن‌چنان‌که جهاد اسلامی و حماس و حزب‌الله لبنان پرچم‌دار مقاومت در مقابل تهدیدات رژیم صهیونیستی شده‌اند. انصارالله یمن به تقابل با کنش‌های خصمانه عربستان سعودی پرداخته است و کتائب حزب‌الله و حشدالشعبی و حزب‌الله لبنان سد مستحکمی در مقابل گروه‌های تروریستی مانند داعش و جبهه‌النصره و القاعده در عراق و سوریه شده‌اند؛ بنابراین، هرکدام از این گروه‌ها در راستای تقویت دیپلماسی مقاومت عمل کرده‌اند و جایگاه خاصی در سیاست خارجی و امنیت ملی جمهوری اسلامی دارند.

فصل اول

مبانی و بنیادهای دیپلماسی مقاومت در انقلاب اسلامی ایران

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران از وقایع شگرف و مهم قرن بیستم میلادی بود و با سرنگونی حکومت پهلوی، گفتمان و «دال‌های»^۱ نوینی را در عرصه داخلی و خارجی تکوین و تثبیت کرد. انقلاب اسلامی با رد نظام سلطه و وضع موجود، خواستار ایجاد نظم نوینی در عرصه نظام بین‌الملل شد و حمایت از مستضعفان و ملت‌های آزاده و مقابله با استکبار جهانی به یکی از دال‌های گفتمانی این انقلاب تبدیل شد. دالی که منبعث از مفهوم مقاومت و آموزه‌های قرآنی و اسلام شیعی انقلاب اسلامی بود. بنابراین از همان اوان انقلاب اسلامی، مقاومت به یکی از ستون‌های دیپلماسی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بدل شد و امید رهایی ملت‌های آزاده را از چنگال مستبدان و مستکبران عالم زنده کرد.

با توجه به اهمیت مفهوم مقاومت در دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران، سزااست که مبانی و بنیادهای این مفهوم شناخته شود. در وهله اول باید به آیات قرآن و روایات رجوع کرد؛ چراکه انقلاب اسلامی آن‌چنان‌که از نامش هویدا است، انقلابی دینی و مبتنی بر مبانی قرآنی است. سپس روایات و احادیثی از پیامبر گرامی اسلام و ائمه درباره اهمیت مقاومت و ابعاد آن تشریح می‌شود. از آنجاکه قانون اساسی، بالاترین سند جمهوری اسلامی ایران است، لازم است مبانی و بنیادهای مقاومت را در آن جستجو کرد. مبحث بعدی فصل اول، شناخت مؤلفه‌های مقاومت در گفتمان انقلاب اسلامی است. در ادامه این فصل، مفهوم و بنیادهای مقاومت در اندیشه

حضرت امام خمینی رحمته الله علیه به عنوان بنیانگذار انقلاب تشریح خواهد شد. واپسین بخش این فصل، شناخت مفهوم و مبانی مقاومت در اندیشه حضرت آیت الله خامنه ای است. ایشان بعد از رحلت حضرت امام سکن دار کشتی جمهوری اسلامی ایران شده و بر تداوم مسیر مقاومت تأکید داشته است.

۱. مفاهیم و مترادفات و مبانی مقاومت در قرآن کریم

۱-۱. مفهوم مقاومت در قرآن کریم

مقاومت، مصدر باب «مفاعله» از ریشه «قوم» به معنای برخاستن، ایستادگی، ایستادگی کردن، استقامت، پایداری، مخالفت کردن، برابری کردن در جنگ است (زبیدی، بی تا، ج ۳۳: ۳۰۷؛ ابن سیده، ۱۴۲۱ق، ج ۶: ۵۸۹؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲: ۴۹۸؛ فیروزآبادی، ۱۴۲۶ق، ج ۱: ۱۱۵۲؛ زمخشری، ۱۳۸۶ق: ۲۳۱؛ حمیری، ۱۴۲۰ق، ج ۸: ۵۶۸۲؛ جوهری، ۱۳۷۶ق، ج ۲: ۴۹۹).

مفسران و اندیشمندان اسلامی، برای «مقاومت» تعاریفی را ارائه کرده اند؛ از جمله:

پایداری در دین و حفظ مسیر حق در برابر کژی‌ها (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۱۱: ۲۸۲)، اینکه انسان همواره بر طریق مستقیم باشد که راه متوسط میان افراط و تفریط است (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۱: ۴۸).

در فرهنگ و اصطلاح قرآنی، مقاومت به معنای ایستادگی، به حالتی گفته می شود که شخص برای تحقق امور کارهایی انجام دهد که شامل ایجاد مقتضی و از میان بردن مانع و ایستادگی در برابر فشارها باشد. علت اینکه چنین حالتی را مقاومت یا استقامت می گویند، شباهتی است که میان عمل ایستادن از یک سو و حالت ایستادگی و مقاومت از سوی دیگر وجود دارد؛ زیرا وقتی انسانی بخواهد به بهترین وجه، کاری را انجام دهد یا بخواهد از خود در برابر دیگری دفاع کند یا حرکتی داشته باشد، به پا می خیزد و می ایستد و قیام می کند. واژگانی چون قیام، استقامت، مقاومت و مشتقات آن در عربی و ایستادن و ایستادگی و مانند آن در فارسی به عنوان کنایه برای بیان این حالت خاص به کار می رود. از این رو، وقتی می گوئیم که فلانی مقاومت کرد یا استقامت ورزید و توانست در برابر فلانی ایستادگی کند، به معنای آن نیست که حتما برپا خاسته و روی پای خودش ایستاده است، بلکه به معنای آن است که از مطالب و

مقاصد خود دست برداشته و کوتاه نیامده و مقتضیات تحقق آن را فراهم آورده و با موانع آن مبارزه کرده و در برابر فشار جنگیده است. لزوماً مقاومت و ایستادگی و استقامت به معنای قیام و ایستادن نیست، بلکه ممکن است فرد نشسته باشد، ولی از مطلب و مقصد و مقصود خود دست بردارد؛ بنابراین می‌توان گفت که مراد از استقامت و مقاومت و ایستادگی در معنای اصطلاحی آن، استمرار و پایداری بر مطالب، مقاصد، اصول، موضع‌گیری‌ها و مانند آن است (بی‌آنکه از راه راست منحرف شود و به کژی گراید و از مطالب و مقاصد خود دست بردارد و از مواضع اصولی خود کوتاه آید، بلکه همه تلاش خود را انجام دهد تا مقتضی را تحقق بخشیده و از موانع بگذرد یا در برابر فشارها مقاومت کرده و عقب‌نشینی نکند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶، ج ۹: ۳۴۶).

۲-۱. مترادفات قرآنی مقاومت

در قرآن کریم بعضی از الفاظ هم‌معنی مقاومت است؛ مانند:

صبر و شکیبایی: «یا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ؛ ای پیامبر مؤمنان را به جهاد برانگیز. اگر از [میان] شما بیست تن شکیبا (صابرون) باشند، بر دویست تن چیره می‌شوند و اگر از شما یکصد تن باشند، بر هزار تن از کافران پیروز می‌گردند؛ چراکه آنان قومی اند که نمی‌فهمند» (انفال، ۶۵).

ثبات قدم: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون با گروهی برخورد می‌کنید، پایداری ورزید (فاثبتوا) و خدا را بسیار یاد کنید باشد که رستگار شوید» (انفال، ۴۵).

دفاع: «لِيَعْلَمَ الَّذِينَ نَافَقُوا وَقِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ ادْفَعُوا قَالُوا لَوْ نَعْلَمُ قِتَالًا لَا تَبْعُنَاكُمْ هُمْ لِكُفْرٍ يَوْمَئِذٍ أَقْرَبُ مِنْهُمْ لِلْإِيمَانِ يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ؛ و [نیز] برای آنکه کسانی را که نفاق ورزیدند، معلوم کند و [آن روز] چون به آنها گفته شد بیایید در راه خدا بجنگید یا دفاع کنید، گفتند: اگر ما جنگی را می‌دانستیم [که رخ می‌دهد]، حتماً از پی شما آمده بودیم. آنها در آن روز، به کفر نزدیک‌تر بودند تا به ایمان، آنها همواره به زبان‌هایشان چیزی می‌گویند که در دل‌هایشان نیست و حال آنکه خدا به آنچه کتمان می‌کنند، داناتر است» (آل عمران، ۱۶۷).

طاقت و تحمل: «فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنِ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرِبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهَ كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةَ كَثِيرَةٍ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ؛ پس چون طالوت با لشکریانش [از لشکرگاه] جدا شد، [خطاب به لشکریانش] گفت: مطمئنأ خدا شما را به وسیله نهر آبی آزمایش خواهد کرد، پس هرکه از آن بنوشد از من نیست و هرکه از آن نچشد، پس بی گمان او از من است، مگر کسی که [تنها] مشتش آبی با کف دستش بگیرد [که او نیز از من است]؛ اما جز اندکی از آنان، همه از آن نوشیدند. پس چون (طالوت) و کسانی که همراه او ایمان آورده بودند از آن نهر گذشتند، عده‌ای از آنان (متخلفان) گفتند: امروز ما را توان مقابله با جالوت و سپاهیانش نیست؛ اما کسانی که باور داشتند که آنان دیدار کننده خدایند، گفتند: چه بسا گروه اندکی که به اذن خدا بر گروه بسیاری پیروز شدند و خدا [همواره] با شکیبایان است» (بقره، ۲۴۹).

قتال (رودرو شدن): «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ؛ با آنانی که با شما سر جنگ دارند، در راه خدا بجنگید و از حد تجاوز نکنید؛ زیرا پروردگار تجاوزگران را دوست نمی‌دارد» (بقره، ۱۹۰).

جهاد: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ؛ و کسانی که در راه ما کوشیده‌اند (جاهدوا)، به یقین راه‌های خود را بر آنان می‌نماییم و در حقیقت خدا با نیکوکاران است» (عنکبوت، ۶۹).

در بسیاری از موارد که لازمه امثال امر الهی مقاومت است، لفظ جهاد به کار رفته است؛ مانند آیه فوق.

۳-۱. مبانی و بنیادهای مقاومت

الف. ایمان به خدا

یکی از ویژگی‌های مهم مؤمنان راستین، برخورداری از روحیه ایثارگری و طمأنینه و قدرت است. مؤمنان هر اقدامی که می‌کنند، ناشی از ایمان به خداست و ایمان به خدا نیرویی است که هیچ نیروی دیگری معادل آن نبوده است و در برابر آن تاب مقاومت نمی‌آورد. چنین کسی با

اطمینان و یقینی که به هر تقدیر دارد، چه کشته شود و چه بکشد، برد با اوست؛ زیرا هر دو تقدیر، پاداشش بهشت است.

رمز پیروزی و قدرت مؤمنان در برابر دشمنان در این فرمایش الهی است: «فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلْمِ وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَهْزِبَكُمْ أَعْمَالِكُمْ؛ مبدا در مبارزه کوتاهی کنید و به دشمن پیشنهاد سازش دهید. شما بالاترید، چون خدا با شماست و مطمئن باشید نتیجه مقاومت را بی‌کم‌وکاست به شما می‌دهد» (محمد ﷺ، ۳۵).

درک این جایگاه و شأن است که از مومن کوهی می‌سازد، بلکه به فرموده معصومین حتی بالاتر از کوه، که با وقوع حوادث چیزی از ایمانش فرسوده نمی‌شود. بشارت بهشت، پاداش انسان موحد است: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ» (فصلت، ۳۰). آنان که گفتند پروردگار ما خداست، پس آن‌گاه استقامت ورزیدند، اینان ملازمان بهشت‌اند؛ درحالی‌که در آن جاودانند و این بهشت خالد، جزای اطاعت‌ها و کارهایی است که در دنیا برای تقرب به خدا انجام می‌دادند. این آیه شریفه از آینده‌ای که در انتظار مؤمنان است و استقبال ملانکه خبر می‌دهد و از بشارت به کرامت و امان از ترس و اندوهی که دلیلش عذاب است یا محرومیت از بهشت یا گناهانی که از مؤمنین سر زده است. ملانکه ایشان را بشارت می‌دهند به اینکه گناهانشان آمرزیده شده است (طباطبائی، ۱۳۷۸، ج ۱۷: ۵۹۳-۵۹۲).

ب. توکل به خدا

توکل و تفویض امور به خداوند درسی است که پیامبران و اولیای الهی همواره سرلوحه کارخویش قرار داده بودند و این‌گونه در سختی‌ها، مقاوم و پایدار بودند. در آیه ۶۰ سوره ممتحنه، قرآن از زبان حضرت ابراهیم و همسر و فرزندانش می‌فرماید:

«قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَّءُؤُا مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَمَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنَبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ؛ بی‌گمان، در [رفتار] ابراهیم و کسانی که با او بودند، برای شما الگوی خوبی است. آن‌گاه که به قومشان گفتند: همانا، ما از شما و آنچه به‌جای خدا می‌پرستید، بیزاریم و به [اعتقادات نادرست] شما کفر

ورزیده‌ایم و همواره میان ما و شما دشمنی و کینه پدیدار شده است تا زمانی که تنها به خدای یکتا ایمان بیاورید. [رفتار آنان الگوی خوبی است] مگر در این سخن ابراهیم به پدرش که: قطعاً و به یقین برای تو [از خدا] آموزش می‌خواهم و حال آنکه من در برابر خدا اختیار چیزی را برای تو ندارم. پروردگارا، تنها بر تو توکل کردیم و تنها به‌سوی تو روی آوردیم و بازگشت [همه] تنها به‌سوی توست».

از آنجاکه قرآن مجید، در بسیاری از مواقع، برای تکمیل تعلیمات خود از الگوهای مهمی که در جهان انسانیت وجود داشته است، شاهد می‌آورد، در اینجا نیز به دنبال نهی شدیدی که از دوستی با دشمنان خدا در آیات قبل شده، از ابراهیم علیه السلام، به‌عنوان پیشوای بزرگی که مورد احترام همه اقوام مخصوصاً قوم عرب بوده، و برنامه او سخن به میان می‌آورد. ابراهیم و پیروانش به شدت با بت‌پرستان مخالف بودند و باید این درس را از آنها یاد گرفت. داستان آزر موقعیت خاصی داشته که اگر برای ما هم پیش بیاید، می‌شود به آن تأسی کرد. از آنجاکه مبارزه با دشمنان خدا با این صراحت و قاطعیت مخصوصاً در زمانی که آنها از قدرت ظاهری برخوردارند، جز با توکل بر ذات خدا ممکن نیست، در پایان آیه می‌افزاید: «آنها گفتند: پروردگارا! ما بر تو توکل کردیم و به‌سوی تو بازگشت نمودیم و رجوع نهایی همه، سرانجام به‌سوی تو است» (مکارم شیرازی و جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۴، ج ۲۴: ۱۶).

ج. آخرت‌گرایی

یکی دیگر از مبانی مقاومت در قرآن، حقیقت معاد است که از اعتقاد به توحید ریشه می‌گیرد. انسان معتقد به معاد، در همه عرصه‌ها با جهاد و مبارزه و بذل مال و جان تا مرز شهادت (توبه، ۱۱۱)، خود را در مسیر اطاعت و برخورداری از نصرت و فلاح و رستگاری حقیقی می‌بیند و به *إِحْدَى الْحُسَيْنِ* می‌اندیشد (توبه، ۵۲).

اعتقاد به معاد، بینش انسان را از تنگنای دنیا به فراخنای جهان باقی پیوند می‌دهد و همت او را بلندمرتبه‌تر از آن می‌کند که بخواهد به تعلقات دنیوی و مادی و تضییع حقوق دیگران خشنود شود و بدان رضایت دهد. اعتقاد به معاد، موجب اطاعت‌پذیری از خدا و عامل مقاومت و پایداری در برابر ولایت کافران و موجب استقامت و نصرت الهی می‌شود (زاهدی تیر و امین ناچی، ۱۳۹۸: ۲۲۸-۲۲۹).

«إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ» (فصلت، ۳۰).

براساس تفسیر نمونه، کلمه استقامت در اصل درخصوص طریقی به کار می‌رفته که به خط مستقیم کشیده شده باشد. همچنین این آیه شریفه از آینده‌ای خبر می‌دهد که در انتظار مؤمنین است و ملائکه با آن به استقبال ایشان می‌آیند و آن تقویت دل‌ها و دلگرمی آنان و بشارت به کرامت است. این بشارت اشاره به زندگی بعد از دنیا و بهشتی است که وعده‌اش به مؤمنین و استقامت‌کنندگان داده شده است (مکارم شیرازی و جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۴، ج ۲۰: ۲۶۹). بنابراین، آخرت‌گرایی، مؤمنان را به مقاومت در راه خدا ترغیب می‌کند.

د. عدل الهی

عدل الهی مباحث گسترده‌ای دارد. عدل به این معنا که خدا مرتکب قبیح همچون ظلم و تعدی نمی‌شود و این را عقل می‌فهمد؛ لذا از مبانی مهم مقاومت، حسن و قبح عقلی است. حسن مقاومت و مقابله با ظلم را عقل می‌فهمد و بدان حکم می‌کند. از شئون مهم عدل الهی، آموزه عدل اجتماعی و همچنین اختیار و آزادی اراده انسان و تأثیر او بر سرنوشت خود و جامعه است. جبرگرایی با مقاومت و اقدام مختارانه سازگار نیست. در این آموزه باید به معنای صحیح قضا و قدر که مبتنی بر اختیار انسان است، اشاره شود، نه معنای باطل قضا و قدر که مستلزم جبر و باور نداشتن به اختیار و اراده انسان است. معنای صحیح آموزه قضا و قدر به این معناست که قضا و قدر الهی بر این تعلق گرفته که اگر امتی ایستادگی و مقاومت کند، خداوند آنان را پیروز خواهد کرد و اگر امتی سستی و ضعف داشته باشد، شکست خواهد خورد (برنجکار، ۱۴۰۲: ۱).

«الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفُتِنَتِ صَوْمِعُ وَيَبِعُ وَصَلَوَاتُ وَمَسْجِدٌ يَذْكُرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ؛ آنان (ایمان‌آوردگان در مکه) که از خانه‌های خود به ناحق رانده شدند [جرمی نداشتند]، جز آنکه می‌گفتند: پروردگار ما الله است. اگر دفع [شر] بعضی از مردم [به وسیله] برخی دیگر از جانب خدا نبود، به طور قطع دیرها، کلیساها، کنش‌ها و مساجدی که نام خدا در آنها بسیار برده می‌شود، به شدت ویران می‌گردید. قطعاً خدا هر که او را یاری نماید، یاری خواهد کرد؛ چرا که خدا بس توانای پیروزمند است» (حج، ۴۰).

آیه هرچند که در مقام تعلیل، نسبت به تشریح قتال و جهاد قرار دارد، حاصلش این است که تشریح قتال به منظور حفظ مجتمع دینی از شر دشمنان دین است که می‌خواهند نور خدا را خاموش کنند، زیرا اگر جهاد نباشد، همه معابد دینی و مشاعر الهی ویران می‌شود و عبادات و مناسک از میان می‌رود؛ ولیکن در عین حال، مراد از دفع شر از مردم به دست یکدیگر از جانب خدا، مسئله جهاد است، چون دفاع مردم از منافع حیاتی خود و حفظ استقامت وضع زندگی، سنتی است فطری که (چه این آیه بفرماید و چه نفرماید) در میان مردم جریان دارد؛ هرچند که این سنت فطری هم منتهی به خدای تعالی می‌شود. همچنین خداوند متعال وعده می‌دهد هرکس او را با جهاد و قتال با دشمنان یاری کند، او یاریش می‌کند و خدای تعالی به این وعده خود در حق مسلمانان وفا کرد و در جنگ‌ها و غزوات بر دشمنان پیروزشان کرد؛ البته این تا وقتی بود که مسلمانان دین خدا را یاری می‌کردند (طباطبائی، ۱۳۷۸، ج ۱۴: ۵۶۳).

این آیه درباره ستم‌دیدگانی که اذن دفاع به آنها داده شده است، توضیح بیشتری می‌دهد و منطق اسلام را در زمینه این بخش از جهاد روشن‌تر می‌سازد و بدون شک این وعده خدا انجام‌شدنی است؛ چراکه او قوی و قادر و شکست‌ناپذیر است تا مدافعان خط توحید تصور نکنند در این میدان مبارزه حق و باطل و در برابر انبوه عظیم دشمنان سرسخت، تنها و بدون تکیه‌گاه‌اند. از پرتو همین وعده الهی بود که مدافعان راه خدا در میدان‌های جنگ با دشمنان با اینکه در بسیاری از صحنه‌ها از نظر نفرات و ساز و برگ جنگی در اقلیت بودند، بر آنها پیروز می‌شدند؛ پیروزی آن‌چنانی که جز از طریق نصرت و یاری الهی تفسیر و توجیه نمی‌شد (مکارم شیرازی و جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۴، ج ۱۴: ۱۱۴).

ه. ضرورت مقابله با ستم

از دیگر مبانی مقاومت، ضرورت مقابله با ستمی است که از جانب مشرکان و ظالمان علیه مسلمانان روا داشته شده است؛ زیرا اگر مسلمانان در مقابل ظلم مشرکان ساکت باشند، تحت سلطه آنها قرار می‌گیرند. چنان‌که خداوند در آیه ۳۹ سوره حج می‌فرماید:

«أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقْتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلِمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ؛ به کسانی که جنگ بر آنها تحمیل می‌گردد، اجازه جهاد داده شده است؛ زیرا آنها مورد ستم واقع شده‌اند و بی‌تردید خدا بر یاری آنها کاملاً تواناست» (حج، ۳۹).

قرآنتی که در میان همهٔ مسلمین دایر است، این است که کلمهٔ «یقاتلون» را به فتح تا و به صیغهٔ مجهول می‌خوانند که معنایش: «کسانی که مورد کشتار مشرکین واقع می‌شوند» است (یعنی کسانی که مشرکین ایشان را می‌کشند) و فلسفهٔ این اجازه هم همین است که مشرکین آغاز به این عمل کردند و اصولاً خواستار جنگ و نزاع‌اند (طباطبائی، ۱۳۷۸، ج ۳: ۵۴۲).

هنگامی که مسلمانان در مکه بودند، مشرکان پیوسته آنها را آزار می‌دادند و مرتباً مسلمانان کتک خورده با سرهای شکسته خدمت پیامبر ﷺ می‌رسیدند و شکایت می‌کردند (و تقاضای اذن جهاد داشتند)، اما پیامبر ﷺ به آنها می‌فرمود: «صبر کنید، هنوز دستور جهاد به من داده نشده است». تا اینکه هجرت شروع شد و مسلمین از مکه به مدینه آمدند، خداوند آیهٔ فوق را که متضمن اذن جهاد است، نازل کرد و این نخستین آیه‌ای است که دربارهٔ جهاد نازل شده است؛ گرچه میان مفسران در اینکه این آیه آغاز دستور جهاد بوده باشد، گفتگو است (مکارم شیرازی و جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۴، ج ۱۴: ۱۱۲).

و. برچیده شدن فتنه‌گری

از دیگر مبانی مقاومت، لزوم مبارزه با فتنه‌گری است.

«وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنَّ لَئِنِ أَنْتَهُوَ فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ؛ و با آنان بجنگید تا هیچ فتنه‌ای نباشد و دین تماماً برای خدا باشد و اگر از جنگ با شما باز ایستادند، پس، بی‌گمان خدا به آنچه که می‌کنند، بیناست» (انفال، ۳۹).

این آیه و آیهٔ بعدش مشتمل است بر تکلیف مؤمنین به وظیفه‌ای در قبال آن وظیفه‌ای که کفار در آیهٔ قبلی مکلف به آن بودند؛ به این معنا که در آیهٔ قبل فرموده بود: «به کفار بگو اگر از دشمنی خدا و رسولش دست بردارند، جرائم گذشته‌شان آمرزیده می‌شود و اگر آن خرابکاری‌ها را تکرار کنند، خوب می‌دانند که بر نیاکانشان چه گذشت». آن‌گاه در این آیه می‌فرماید به آنان چنین بگو: «و اما تو و مؤمنین زنه‌ار که در مهم خود که همان اقامهٔ دین و تصفیه کردن و صالح ساختن محیط برای مؤمنین است، کوتاهی و سستی نکنید و به قتال کفار پردازید تا این فتنه‌ها که هر روز به راه می‌اندازند، خاتمه پذیرد و دیگر هوای فتنه‌انگیزی در سر نپروانند» (طباطبائی، ۱۳۷۸، ج ۹: ۹۸).

آیهٔ فوق به دو قسمت از اهداف مقدس جهاد اسلامی اشاره می‌کند:

۱. برجیدن بساط بت پرستی و از میان بردن بتکده‌ها: همان‌طور که در بحث اهداف جهاد گفته شد، آزادی دینی مخصوص کسانی است که از یکی از ادیان آسمانی پیروی کنند، و اعمال فشار برای تغییر عقیده‌شان صحیح نیست؛ ولی بت پرستی نه دین است و نه مکتب، بلکه خرافه است و انحراف، و حکومت اسلامی باید نخست از طریق تبلیغ و اگر ممکن نشد از طریق توسل به زور بساط بت پرستی را از همه جا برچیند و بتخانه‌ها را ویران کند.
۲. به دست آوردن آزادی بیان و تبلیغ و نشر اسلام: در این قسمت نیز اسلام اجازه می‌دهد که اگر کسانی با اعمال خود جلوی آزادی عمل مسلمانان را در نشر و تبلیغ و دعوت به اسلام بگیرند، آنها حق دارند متوسل به جهاد آزادی‌بخش شوند و راه را برای تبلیغ منطقی بکشایند (مکارم شیرازی و جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۴، ج ۷: ۱۶۵).

ز. پایداری در دین

پایبندی به دستورات خدا و دین اسلام باعث می‌شود تا مسلمانان در برابر سختی‌ها و مشکلات از خود استقامت نشان بدهند؛ زیرا اگر آنها از خود سستی نشان دهند، به معنای عدم پایداری در دین خداست. آیه ۱۱۲ سوره هود هم به این مبنای مقاومت اشاره دارد:

«فَأَسْتَقِمَّ كَمَا أَمَرْتَ وَ مَنْ تَابَ مَعَكَ وَ لَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ؛ پس تو چنان‌که مأموری استقامت و پایداری کن و کسی که با همراهی تو به خدا رجوع کند نیز پایدار باشد و (هیچ از حدود الهی) تجاوز نکنید که خدا به هر چه شما می‌کنید، بصیر و داناست».

صاحب تفسیر روح المعانی می‌گوید: «معنای این آیه این است که «ای پیغمبر من! در این امر استوار باش، همچنان‌که قبلاً هم دستور به استقامت داده بودیم». آن‌گاه اضافه می‌کند که: «این امر، امر به دوام بر استقامت و ادامه آن است و معنایش این است که همواره بر طریق مستقیم که راه متوسط میان افراط و تفریط است، سلوک کن و این کلمه جامعی است سرمشق در علم و عمل و اخلاق» (طباطبائی، ۱۳۷۸، ج ۱۱: ۶۱).

پس از ذکر سرگذشت پیامبران و اقوام پیشین و رمز موفقیت و پیروزی آنها و پس از دلداری و تقویت اراده پیامبر از این طریق، مهم‌ترین دستور را به پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می‌دهد و می‌گوید: «استقامت کن، همان‌گونه که به تو دستور داده شده است؛ استقامت در راه تبلیغ و ارشاد کن، استقامت در طریق مبارزه و پیکار کن، استقامت در انجام وظایف الهی و پیاده کردن تعلیمات

قرآن کن. ولی این استقامت نه به خاطر خوشایند این و آن باشد و نه از روی تظاهر و ریا و نه برای کسب عنوان قهرمانی، نه برای به دست آوردن مقام و ثروت و کسب موفقیت و قدرت، بلکه تنها به خاطر فرمان خدا و آن گونه که به تو دستور داده شده است باید باشد. اما این دستور تنها مربوط به تو نیست، هم تو باید استقامت کنی و هم تمام کسانی که از شرک به سوی ایمان بازگشته‌اند و قبول دعوت الله نموده‌اند» (مکارم شیرازی و جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۴، ج ۹: ۲۵۷).

ح. همراهی و یاری خداوند

زمانی که مؤمنان آگاه باشند که در مقابل مشکلات و دشمنان، خداوند یاریگر و همراه آنهاست، استقامت برایشان سهل تر می شود؛ زیرا هیچ نیرو و قدرتی بالاتر از خداوند نیست و یاری پروردگار متعال برای نصرت و پیروزی کافی است.

«فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلْمِ وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَ اللَّهُ مَعَكُمْ وَ لَنْ يَزِيَكُمْ أَعْمَالُكُمْ؛ پس (شما، ای اهل ایمان، در کار دین) سستی روا مدارید و (از ترس جنگ، کافران را) دعوت به صلح مکنید که شما غالب و بلند مقام تر خواهید بود و خدا با شماست و از (ثواب) اعمال شما هیچ نمی‌کاهد».

در تعقیب آیات گذشته درباره مسئله جهاد، این آیه به یکی از نکات مهم درباره «جهاد» اشاره می‌کند، اینکه افراد سست و ضعیف‌الایمان برای فرار از زیر بار جهاد و مشکلات میدان جنگ غالباً مسئله صلح را مطرح می‌کنند. مسلماً صلح بسیار خوب است، اما در جای خود؛ صلحی که اهداف والای اسلامی را تأمین کند و حیثیت و عظمت و آبروی مسلمین را حفظ کند، نه صلحی که آنها را به خواری و ذلت کشاند. کسی که خدا با اوست، همه عوامل پیروزی را در اختیار دارد، هرگز احساس تنهایی نمی‌کند، ضعف و سستی به خود راه نمی‌دهد، به نام صلح، تسلیم دشمن نمی‌شود و دستاوردهای خون شهیدان را در لحظات حساس به باد نمی‌دهد (مکارم شیرازی و جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۴، ج ۲۱: ۴۸۹).

ط. اعتماد نکردن به ستمکاران

در آیاتی که خداوند پیامبر را امر به استقامت کرده، بلافاصله ایشان و مؤمنان را از اطاعت ظالمین نهی کرده است و این خود به منزله تفسیر و تبیین استقامتی است که خداوند از ایشان

انتظار دارد. مانند این آیه کریمه: «وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَمَا تَمَسَّكُمُ النَّارُ وَ مَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءٍ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ؛ و (شما مؤمنان) هرگز نباید با ظالمان همدست و دوست و بداندانها دلگرم باشید وگرنه آتش (کیفر آنان) در شما هم خواهد گرفت و در آن حال جز خدا هیچ دوستی نخواهید داشت و هرگز کسی یاری شما نخواهد کرد (الهی قمشه‌ای، ۱۳۸۰، ج: ۱: ۲۳۴).

حق مطلب این است که رکون به معنای صرف اعتماد نیست، بلکه اعتمادی است که توأم با میل باشد. این رکون چه در اصل دین باشد و چه اینکه در حیات دینی باشد، مثل مداخله در امور مجتمع دینی و ولایت امور عامه را به دست گرفتن که در نتیجه، در شئون حیاتی جامعه یا فردی افراد اثر سوء بگذارد (طباطبائی، ۱۳۷۸، ج: ۱۱: ۶۸).

ی. مقابله با شیطان

بزرگترین دشمن انسان که از ابتدا در مقابل مسیر هدایت او سد شد، ابلیس بود. اگرچه مسیر حق بر این دشمن دیرینه بسته است، او قسم خورده که سد راه بندگان خدا خواهد شد؛ پس هرکس از مسیر حق فزاتر رود، در دام او گرفتار خواهد شد، جز بندگان مخلص خدا که به دلیل استقامت و ثبات قدم ایشان در این مسیر، شیطان نفوذی در آنان نخواهد داشت؛ زیرا ایشان بر وسوسه او آگاه‌اند و بنا بر دستور حق، همواره از دسایس او به خدا پناه می‌برند، مانند این کلام ایوب: «وَ اذْكَرُّ عَبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ بِنُصْبٍ وَعَذَابٍ؛ و یاد کن از بنده ما ایوب هنگامی که به درگاه خدای خود عرض کرد: (پروردگارا) شیطان مرا سخت رنج و عذاب رسانیده، (نجاتم بخش)» (ص، ۴۱).

ک. صبر

استقامت واژه‌ای است که جز با صبر معنا پیدا نمی‌کند و این صبر و پایداری در برابر مشکلات است که می‌تواند امید به پایداری و ایستادگی و استمرار در حرکت را یاری کند؛ از جمله آیات مهمی که ائمه را به عنوان پیشوایان دین معرفی می‌کند، این آیه کریمه است: «جَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَ كَانُوا بِلَايَتِنَا يَوْقُونَ؛ و از آنها امامان و پیشوایانی قرار دادیم، که به فرمان ما، امر هدایت خلق خدا را بر عهده گرفتند زیرا آنها شکیبایی کردند و به آیات ما یقین داشتند» (سجده، ۲۴).

در اینجا رمز پیروزی و شرط پیشوایی و امامت را دو چیز شمرده است: یکی ایمان و یقین به آیات الهی و دیگر صبر و استقامت و شکیبایی. این امر مخصوص بنی اسرائیل نیست، درسی است برای همه امت‌ها و برای مسلمانان دیروز و امروز و فردا که پایه‌های یقین خود را محکم کنند و از مشکلاتی که در طریق به ثمر رساندن خط توحید است، نهراسند. صبر و مقاومت را پیشه خود کنند تا ائمه خلق و رهبر امت‌ها در تاریخ عالم شوند. تعبیر «یهدون» (هدایت می‌کنند) به صورت فعل مضارع و همچنین «یوقنون» (یقین دارند) آن هم به صورت فعل مضارع دلیل بر استمرار این دو وصف در طول زندگی آنها است؛ چراکه مسئله رهبری لحظه‌ای از مشکلات خالی نیست و در هر گام شخص رهبر و پیشوای مردم با مشکل جدیدی روبرو می‌شود که باید با نیروی یقین و استقامت مداوم به مبارزه با آن برخیزد و خط هدایت به امر الهی را تداوم بخشد (مکارم شیرازی و جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۴، ج ۱۷: ۱۶۶).

همچنین در کلام الله مجید آمده است: «بَلَىٰ إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُم مِّن فَوْرِهِمْ هَذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ، آری، اگر صبر کنید و پرهیزگاری پیشه کنید، [و دوباره کفار] با همین خروش و شتاب بر شما بتازند، [این بار] پروردگارتان شما را با پنج‌هزار فرشته نشان‌گذار یاری خواهد کرد» (آل عمران، ۱۲۵).

ظاهراً مصداق آیه شریفه، واقعه روز بدر است و البته این وعده را به شرط صبر و تقوا داده و فرموده است (طباطبائی، ۱۳۷۸، ج ۴: ۱۰).

۴-۱. مقاومت در روایات

روایات زیادی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله در موضوع مقاومت، چه از طریق اهل سنت و چه از طریق شیعه، وارد شده است که بر وجوب کمک رساندن به مسلمانان، در صورتی که دشمن به آنان حمله کرده و آنان از سایر مسلمانان درخواست کمک کرده باشند، دلالت می‌کند. در این مقام ما به مجموعه‌ای از این روایات که از دو گروه شیعه و سنی نقل شده است، می‌پردازیم:

شیخ کلینی در «کافی» از علی بن ابراهیم، از پدرش، از نوفلی، از سکونی، از حضرت ابی عبدالله علیه السلام روایت کرده است که فرمود: «رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ؛ کسی که صبح کند، در حالی که به امور مسلمین اهتمام نرزد، مسلمان نیست» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۱: ۳۳۷).

و در النوادر راوندی از حضرت موسی بن جعفر (از پدرانش) از رسول اکرم ﷺ نقل شده است که فرمود: «مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ فِي شَيْءٍ، وَمَنْ شَهِدَ رَجُلًا يُنَادِي يَا لِلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ؛ کسی که صبح کند، درحالی که به امور مسلمین اهتمام نوزد، از اسلام به دور است و کسی که ببیند شخصی را که فریاد می‌زند: 'ای مسلمانان به دادم برسید' و او را یاری ندهد، مسلمان نیست» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۲: ۲۱).

همچنین شیخ کلینی در کافی از محمدبن یحیی، از سلمه بن خطاب، از سلیمان بن سماعه، از عمویش عاصم کواز، از حضرت ابی‌عبدالله (علیه السلام) روایت می‌کند که حضرت رسول ﷺ فرمود: «مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ، وَمَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي يَا لِلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ؛ کسی که صبح کند، درحالی که به امور مسلمین اهتمام نوزد از آنها نیست و کسی که بشنود شخصی را که فریاد می‌زند: 'ای مسلمانان به دادم برسید' و او را یاری ندهد، مسلمان نیست» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۲: ۲۱).

همچنین وی در کتاب یادشده در باب اهتمام به امور مسلمین و نصیحت و خیرخواهی برای آنان، از محمدبن یحیی از احمدبن محمدبن عیسی، از ابن محبوب، از محمدبن قاسم هاشمی، از حضرت ابی‌عبدالله (علیه السلام) روایت می‌کند که فرمود: «مَنْ لَمْ يَهْتَمَّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ؛ کسی که به امور مسلمین اهتمام نوزد، مسلمان نیست» (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۲: ۲۳۵).

و در مستدرک علی الصحیحین با تعلیقات ذهبی از رسول خدا ﷺ روایت شده که فرمود: «مَنْ لَمْ يَتَّقِ اللَّهَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ، وَمَنْ لَمْ يَهْتَمَّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ؛ کسی که تقوای الهی نداشته باشد، از خداوند به دور است و کسی که به امور مسلمین اهتمام نوزد، از آنان نیست» (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱، ج ۴، ص ۳۵۲ و ۳۵۶).

برقی در المحاسن از محمدبن علی، از ابن فضال، از محمد، از ابراهیم بن عمر، از حضرت ابی‌عبدالله (علیه السلام) روایت کرده که فرمود: «ما من مسلمٍ يَخْذُلُ أَخَاهُ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَى نُصْرَتِهِ إِلَّا خَذَلَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ هیچ مسلمانی برادر خود را رها نمی‌کند، درحالی که توان یاری او را دارد؛ مگر آنکه خداوند او را در دنیا و آخرت رها نماید» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۲: ۲۲).

و در قرب الاسناد از هارون، از ابن صدقه، از امام صادق (علیه السلام)، از پدرش روایت شده است که فرمود: «لَا يَحْضُرَنَّ أَحَدُكُمْ رَجُلًا يُضَرُّهُ بِسُلْطَانٍ جَائِرٍ ظَلَمًا وَ عُدْوَانًا وَ لَا مَقْتُولًا وَ لَا مَظْلُومًا إِذَا لَمْ يَنْصُرْهُ، لِأَنَّ نَصْرَةَ الْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ فَرِيضَةٌ وَاجِبَةٌ إِذَا حَضَرَ وَ الْعَافِيَةُ أَوْسَعُ مَا لَمْ يَلْزَمْكَ الْحُجَّةُ الظَّاهِرَةُ؛ هرگز

حاضر نشوید نزد کسی که سلطان ستمگر به او ظلم می‌کند و همچنین نزد هیچ مقتول یا مظلومی، اگر شما او را یاری ننمایید؛ زیرا نصرت مؤمن بر مؤمن، اگر نزد او حضور یافت، فرض و واجب است و تو در صورتی راحت هستی و در عافیت می‌باشی که حجت ظاهر و آشکاری تو را الزام ننموده باشد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۲: ۱۷).

در ثواب الاعمال شیخ صدوق و همچنین علل الشرائع از ابن ولید، از صفار، از سندی بن محمد، از صفوان بن یحیی، از صفوان بن مهران، از حضرت ابی عبداللّه (علیه السلام) روایت شده که فرمود: «أُقْعَدَ رَجُلٌ مِنَ الْأَخْيَارِ فِي قَبْرِهِ فَقِيلَ لَهُ إِنَّا جَالِدُوكَ مِائَةَ جَلْدَةٍ مِنَ عَذَابِ اللَّهِ، فَقَالَ: لَا أُطِيقُهَا، فَلَمْ يَزَالُوا بِنِ حَتَّى انْتَهَوْا إِلَى جَلْدَةٍ وَاحِدَةٍ، فَقَالُوا لَيْسَ مِنْهَا بَدٌّ، فَقَالَ: فِيمَا تَجَلَدُونِيهَا؟ قَالَ: نَجْلِدُكَ لِأَنَّكَ صَلَّيْتَ يَوْمًا بغيرِ وُضوءٍ، وَ مَرَّرْتَ عَلَيَّ ضَعِيفٍ فَلَمْ تَنْصُرْهُ، قَالَ: فَجَلَدُوهُ جَلْدَةً مِنَ عَذَابِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فَأَمْتَلًا قَبْرَهُ نَارًا؛ مردی از نیکان را در قبرش نشانند و به او گفتند: ما از عذاب الهی صد تازیانه به تو می‌زنیم، گفت: طاقت آن را ندارم، و پیوسته برای او تخفیف می‌دادند تا رسیدند به یک تازیانه و گفتند: چاره‌ای نیست، جز اینکه یک تازیانه به تو بزنیم، گفت: به چه جهت می‌زنید، گفتند: به این جهت که روزی بی‌وضو نماز خواندی و دیگر اینکه بر ضعیفی گذشتی و او را کمک نکردی؛ پس او را از عذاب الهی یک تازیانه زدند که در اثر آن قبرش مملو از آتش گردید» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۲: ۱۷).

خلاصه کلام اینکه این مجموعه روایات که در میان آنها روایات صحیحیه نیز وجود دارد، به روشنی بر وجوب کمک‌رسانی به مسلمانان و یاری کردن آنان جهت دفع تجاوز دشمنان دلالت می‌کند (آصفی، ۱۳۸۸: ۳۰).

حضرت علی (علیه السلام) در فرازی از کلماتش در خطبه شقشقیه، علت پذیرش خلافت را قیام و مقاومت علیه ظالمان می‌داند و می‌فرماید: «من طالب خلافت و حکومت بر شما نبودم، آنچه مرا وادار به پذیرش (حکومت و خلافت) کرد، پیمانی است که خداوند از علمای هر امتی گرفته که در برابر شکم‌پارگی ستمگران و گرسنگی ستمدیدگان سکوت نکنند و به یاری گروه دوم قیام کنند و با گروه اول به مبارزه بپردازند».

مولای موقبان در فرازی از نهج البلاغه به فرزندانش وصیت می‌کند: «وَكُونُوا لِلظَّالِمِ حَصْمًا، وَ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا» (نامه ۳۷)؛ همواره دشمن ظالمان و یاور مظلومان باشید. پیام این وصیت، قیام و مقاومت علیه ظالمان و بازپس‌گیری حق ستمدیدگان و مظلومان است. حضرت علی (علیه السلام) که

الگویی نمونه از مقاومت است، این سیره و روش را به فرزندانش هم توصیه می‌کند که در همه مراحل زندگی ایستادگی و مقاومت در برابر ظلم را سرلوحه کردار خود قرار دهند. امام علی علیه السلام در فراز دیگری از نهج البلاغه، تنها راه نجات از ظلم و ستم را ایستادگی و مقاومت می‌داند و می‌فرماید: «افراد ضعیف و ناتوان هرگز نمی‌توانند ستم را از خود دور کنند و حق جز با تلاش و کوشش به دست نمی‌آید» (خطبه ۲۹).

از تعبیر امام، «لایدرک الحق الا بالجد»، به خوبی استفاده می‌شود که حق در هر حال گرفتنی است و نه دادنی؛ پس اگر به هر فردی از افراد بشر ستم و ظلم شود، وظیفه شرعی و اسلامی‌اش ایجاب می‌کند تا در مقابل ظالمان تنها نظاره‌گر صحنه نباشد، بلکه از خود واکنش نشان دهد (فرمی‌باف و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۷۲).

روایاتی که از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه اطهار علیهم السلام نقل شده است، بر ضرورت ظلم‌ستیزی و مشارکت نکردن با ظالمان تأکید دارد. به‌عنوان مثال، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «هرکه ستمگری را در ستمش یاری رساند، روز قیامت در حالی آید که بر پیشانی‌اش نوشته است: نوید از رحمت خدا» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۴، ج ۲: ۸۳۳).

حضرت امام رضا فرمودند: «هر کس از کاری راضی باشد، مثل کسی است که آن را انجام داده و اگر کسی در مشرق کشته شود و دیگری در مغرب از این قتل راضی باشد، نزد خدا با قاتل شریک خواهد بود» (عیون اخبار الرضا؛ به نقل از: فرمی‌باف و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۸۳). و امام علی علیه السلام فرمودند: «کسی که ظلم می‌کند و کسی که با او همکاری دارد و کسی که بدان رضایت دارد، هر سه شریکند» (الخصال، ج ۱؛ به نقل از: فرمی‌باف و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۸۳).

از دیگر ابعاد مقاومت در روایت، جنبه دشمن‌شناسی و آمادگی در مقابل دشمنان است. آشنایی دقیق و وسیع نسبت به وضعیت دشمن باعث می‌شود که بتوان او را از نظر قدرت و ضعف سنجید و امکانات خود را با برنامه‌ریزی‌های درست، برای بسیج نیروها در رویارویی با نیروهای دشمن مهیا کرد و بلکه سطح آن را بالاتر برد و در این زمینه به تدارک انواع زمینه‌سازی‌ها و به‌کارگیری نیروها در خدمت یک حرکت نظامی قدرتمند پرداخت که اگر جنگی پیش آمد، دشمن در همان آغاز با شکست مواجه شود (فرمی‌باف و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۸۵).